

## بخش بیست و ششم جشن‌هایی که به افتخار هیئت اعزامی ترتیب داده شد

میهمانی‌های جالب متعددی به افتخار هیئت اعزامی اعلیحضرت پادشاه سوئد و نروژ در مدت اقامت ما در تهران ترتیب داده شد. روز دوم اقامت در تهران به میهمانی سفیر دولت انگلستان سر هنری دراموند ولف<sup>۱</sup> دعوت شدیم. گذشته از تعدادی از رؤسا و اعضاء سایر هیئت‌ها، صدراعظم امین‌السلطان<sup>۲</sup> هم حضور داشت. او دومین مرد قدرتمند ایران و دست راست شاه بود. مرد جوان سی و چند ساله‌ای با ظاهری آراسته که با چهره اندیشمند خود احساس جالبی به آدم منتقل می‌کرد.

از دیگر میهمانان این جشن باید از اسکندر خان فامیل عبدالرحمن‌خان<sup>۳</sup>، امیر افغانستان نام برد. او مرد بسیار بلندقامت و خوش‌مشربی بود و به خاطر شوخی‌های خود معروف بود. گذشته از زبان‌های افغانی، فارسی و ترکی، زبان‌های روسی و انگلیسی را هم به خوبی صحبت می‌کرد. او به خاطر مسائل سیاسی، تحت‌حمایت دربار ایران بود و با انگلیسی‌ها میانه خوبی داشت. صحبت‌های او درباره جنگ‌های افغانستان بسیار جالب و شنیدنی بود. خود او در این جنگ‌ها شرکت داشته و به تمام جزئیات آنها آشنائی داشت.

شخصیت‌های مهم و برجسته‌ای در این میهمانی حضور داشتند. من از نشست‌ها در کنار  
۱. Sir Henry Drummond Wolff تولد ۱۸۳۰، درگذشت ۱۱ اکتبر ۱۹۰۸ م، سیاستمدار انگلیسی و عضو مجلس نمایندگان از پورتسموت بین ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ م، سفیر انگلستان در ایران از سال ۱۸۸۸ و در اسپانیا از ۱۸۹۲ تا ۱۹۰۰ م

۲. علی‌اصغر خان اتابک، فرزند دوم آقا ابراهیم آبدار، تولد ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۲۷۴، درگذشت ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هـ ق، در پانزده سالگی پیشخدمت مخصوص ناصرالدین شاه بود، در بیست و دو سالگی امین‌الملک شد و پس از مرگ پدرش لقب امین‌السلطان را به ارث برد. در زمان مظفرالدین شاه ملقب به اتابک اعظم شد. او صدراعظم سه پادشاه قاجار، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه بود. او در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هـ ق به تیر طپانچه عباس‌آقا صراف تبریزی، وابسته به جناح تندرو مشروطه، در میدان بهارستان تهران ترور شد.

۳. امیر عبدالرحمن‌خان، سومین پسر امیر محمدافضل‌خان از دودمان بارکزی، تولد ۱۸۴۰، درگذشت ۱۹۰۱ م در باغ‌بالای کابل، امیر افغانستان از ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱ م، وی در زمان زمامداری پدرش فرماندار قطن و بدخشان بود که بر ضد عمویش شیرعلی‌خان برخاست و پس از شکست به بخارا فرار نمود. پس از بازگشت به افغانستان در سال ۱۸۶۶ م و وفات شیرعلی‌خان در سال ۱۸۸۰ م زمام امور کشور را در دست گرفت.

جهانگرد معروف ژنرال گوردن<sup>۱</sup> سر میز شام بسیار خوشحال شدم. او در سال‌های ۷۴-۱۸۷۳ میلادی با هیئتی سیاسی به رهبری سر فورسایت<sup>۲</sup> به ترکستان شرقی سفر کرده بود. ژنرال گوردن از طریق پامیر و آمودریا<sup>۳</sup> مراجعت کرد و یادداشت‌های سفر خود را در کتابی به نام "پشت‌بام دنیا" منتشر نمود.

روز ۲۹ ماه ژنرال دکتر هی‌به‌نت خان دندانپزشک شاه، میهمانی شامی به افتخار هیئت اعزامی ترتیب داد. در این میهمانی به جز اعضاء هیئت ما، سفیر فرانسه دوبایو<sup>۴</sup> و منشی او، دکتر فووریه<sup>۵</sup> پزشک مخصوص شاه، مهندس کوه‌شناسی آقای وویه<sup>۶</sup> استاد مدرسه عالی تهران، ژنرال گبائور و برادر دکتر هی‌به‌نت خان هم دعوت داشتند. پس از قرار گرفتن سر جای خود بر سر میز شام، ملودی‌هایی از موسیقی محلی و سایر آهنگ‌های سوئدی به رهبری ژنرال گبائور نواخته شد. پس از مدت‌های مدید این اولین بار بود که در این کشور دور افتاده این تعداد از اهالی اسکاندیناوی در تهران زیر یک سقف جمع می‌شدند. فضای جشن و نواهای آشنا، ما را به سرزمین مادری برد.

در اواسط شام، دکتر هی‌به‌نت خان از جای خود برخاست و با بیان جملاتی زیبا، جام خود را به سلامتی اعلیحضرت پادشاه سوئد و نروژ نوشید. آنگاه موسیقی محلی سوئدی نواخته شد. جام بعد به سلامتی سرپرست هیئت اعزامی و اعضاء آن نوشیده شد. در طول ۱۸ سالی که دکتر در ایران اقامت داشته همواره در آرزوی آن بود که روزی هیئتی از سوئد را در تهران ملاقات کند. آن روز فرا رسیده و آرزوی وی برآورده شده بود.

آنگاه نوبت سرپرست هیئت اعزامی سرشکاربان ترشکو شد تا به خاطر این جشن عالی به افتخار همسر و خود میزبان از جام خود بنوشد. او در ضمن از زحمات دکتر، به خاطر موفقیت او جهت پرافتخار کردن نام کشور ما در این نقطه از جهان تشکر نمود. در اواخر جشن سرپرست هیئت اعزامی، برای این سرهنگ جدید نیروی دریائی آرزوی کامیابی کرد چرا که او افتخار یافته بود از طرف اعلیحضرت پادشاه مدال و اسامی<sup>۷</sup> و درجه سرهنگی نیروی دریائی را به پاس خدمات وی و پاسداری از نام کشور سوئد و نروژ در این سرزمین شرقی به دکتر هی‌به‌نت خان تقدیم کند. این افتخار با ۹ مرتبه هورا کشیدن

۱. Gordon سر توماس ادوارد گوردن، تولد ۱۲ ژانویه ۱۸۳۲ در آبردین، درگذشت ۱۹۱۴ م، افسر، سیاستمدار و جهانگرد اسکاتلندی که مدتی در تهران خدمت کرد.

۲. Sir Forsyth سر توماس داگلاس فورسایت، تولد ۷ اکتبر ۱۸۲۷، درگذشت ۱۷ دسامبر ۱۸۸۶ م، سیاستمدار ارشد انگلستان در هند

۳. Oxus یونانی شده نام پارسی باستانی رود و خش است که بعدها آمودریا یا جیحون خوانده شد.

۴. de Balloy

۵. Feuvrier ژان بلبتیست فووریه، تولد ۱۸۴۲، درگذشت ۱۹۲۶ م، پزشک ارتش فرانسه، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه از ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۲ م و نویسنده کتاب سه سال در قلب ایران

۶. Vauvillier

۷. Vasaorder مدالی که در ۱۷ ژوئیه ۱۷۷۲ م در زمان پادشاه گوستاو سوم در کشور سوئد پایه گذاری شد تا به اشخاصی که تحقیقات مفیدی در مورد کشاورزی، معدن شناسی، هنر، تجارت و صنعت انجام داده‌اند اهدا شود.

حضار با صدای بلند، تیریک گفته شد و در تمامی میهمانان تأثیر به سزائی گذاشت. آنگاه دکتر به نوبه خود از سرشکاربان ترشکو درخواست نمود تا نهایت تشکر وی را به خاطر نیل به این افتخار، خدمت اعلیحضرت پادشاه ابلاغ نماید. سپس شام به پایان رسید و عده‌ای به اطاق کار دکتر و عده‌ای دیگر به ایوان رفته و از باغ کوچک وی دیدن کردند. نور فانوس‌های رنگارنگ به طرز زیبایی در آب حوض وسط باغ افتاده بود و گروه موزیک دائماً آهنگ‌های سوئدی و نروژی می‌نواخت. محض اطلاع باید بنویسم، در این میهمانی نیم‌بتر پونچ<sup>۱</sup> هم نوشیده شد. داستان از این قرار است که من در سفر پیشین خود به ایران ۵ سال پیش، با ۴ شیشه نیم بطری پونچ دکتر را شاد کردم. در مدت اقامت در تهران روزانه نیم گیلان صرف می‌کردیم و سه بطری تمام شد و هنگام مراجعت من یک شیشه باقی مانده بود. دکتر گفت این شیشه را تا آمدن میهمانی از سوئد، در زیرزمین شراب‌های خود نگهداری خواهد نمود تا با سوئدی‌ها بنوشد. من اصلاً باور نمی‌کردم که هنگام نوشیدن این شیشه حضور داشته باشم. پس از این ضیافت شاد و فراموش‌نشده‌ی، با کالسه‌های دربار به محل اقامت خود مراجعت کردیم.

ساعت ۵ بعدازظهر روز بعد، از طرف وزیر جنگ شاهزاده کامران میرزا نایب‌السلطنه در قصر جدید او امیریه دعوت جای داشتیم. شاهزاده تا باغ به پیشواز ما آمد و ما را به تالار آینه قصر، در زیرزمین کاخ راهنمایی کرد. این تالار، که تا حدودی زیرزمین واقع شده است شبیه غاری بود که چهار ستون عظیم، سقف آینه‌کاری شده آن را نگهداری می‌کرد. در وسط آن حوضی ساخته شده بود و ۲۴ فواره به هر طرف آب می‌پاشیدند. کف تالار از مرمر سفید بود. میز و صندلی‌هایی در کنار حوض قرار داشت و ما در آنها جای گرفتیم. مطابق رسم ایرانیان با چای، شربت، لیموناد، بستنی و شیرینی‌جات از ما پذیرائی شد. شاهزاده مرد بسیار مؤدب و دوست داشتنی بود و به خانواده سلطنتی و ارتش سوئد و نروژ علاقه فراوانی داشت. در تمام طول جشن، ارکستر به سرپرستی ژنرال گبائور موسیقی سوئدی می‌نواخت. به جز ما مشیرالدوله وزیر عدلیه و ژنرال عباس‌قلی‌خان آجودان شاهزاده هم حضور داشتند.

پس از صرف چای، شاهزاده ما را به طبقه بالای قصر راهنمایی کرده، آن را به ما نشان داد و از تحسین‌های ما بسیار شادمان شد. پله‌ها از مرمر سفید بود که از شهر یزد در مرکز ایران حمل شده بود. مجسمه‌هایی که در کارخانه اسلحه‌سازی تهران تراشیده شده بود، راه پله را زینت می‌بخشید. شمعدان‌های کریستال چند شاخه، از سقف آویزان بود. سربازان با کلاه خودهای طلایی رنگ با نشان شیر و خورشید و شمشیرهای کشیده ادای احترام می‌کردند. وارد تالار بزرگی شدیم. کف تالار با موزائیک‌های زیبایی کفپوش شده بود. نقاشی‌های ایرانی، دیوارها و سقف تالار را زینت می‌داد. دورتادور سالن تصاویری از پادشاهان باستانی ایران تا شاهان قاجار دیده می‌شد. تصاویری از شاهان افسانه‌ای شاهنامه، که ابوالقاسم فردوسی آنها را بانی تخت‌جمشید خوانده تا کوروش، خشایارشا و

۱. یک نوع نوشیدنی الکلی سوئدی

داریوش با ریش بلند سیاه رنگ و شمشیر بدست، نقش شده بود. در میان نقاشی‌ها، تصویر شاهزاده هم بین شاهان دیده می‌شد و این نکته را در خاطر بیننده زنده می‌کرد که با وجودی که او پسر سوم شاه می‌باشد اما به پادشاهی امید بسته است.

از پنجره بزرگ سالن که تا کف تالار می‌رسید منظره زیبایی از کوه‌های البرز در شمال تهران با قله‌های برف‌پوش به چشم می‌خورد. کوه با عظمت دماوند با قله سپیدپوش واقع در شمال شرقی شهر را با دوربین تک چشمی تماشا کردیم. در سمت جنوب، کوه‌های کم ارتفاعی مرز بین دشت تهران و کویر قم را تشکیل می‌داد.

دور تا دور قصر امیریه را باغ‌های وسیعی فرا گرفته که هنوز هم در حال گسترش آن بودند. پیداست که پس از خاتمه بسیار زیبا خواهد شد. استخری به اندازه یک دریاچه کوچک در وسط باغ قرار داشت. احتمالاً کار ساختمان قصر که سه سال پیش آغاز شده پائیز امسال خاتمه یابد و کاخ با حضور شاه به طور رسمی افتتاح گردد.

ساعت ۷ و نیم همان روز به نام شاه در منزل میرزا علی‌خان امین‌الدوله<sup>۱</sup> وزیر پست و ارتباطات برای شام دعوت داشتیم و چون شام در چادر بزرگی در حیاط قصر داده می‌شد با سایر دعوت‌ها تفاوت می‌کرد. ابتدا به یک چادر طولانی بی‌اندازه بزرگ با سقف نوکتیز راهنمایی شدیم. جنس چادر از پارچه‌های الوان ایرانی بود و با فرش‌های نرمی کف‌پوش شده بود. میز و صندلی‌هایی به سبک سالن‌های اروپا قرار داده بودند. پس از رسیدن سایر میهمانان، به چادر دیگری که میز شام در آن آماده بود راهنمایی شدیم. ستون‌های این چادر با همکاری دکتر هی‌به‌نت خان با پرچم‌های سوئد و نروژ تزئین یافته بود. صدراعظم علی اصغرخان امین‌السلطان در سمت بالای میز قرار گرفت، سرشکاربان ترشکو در سمت راست او و سفیر انگلستان در سمت چپ وی جای داده شدند. سفرای آمریکا و بلژیک در کنار میزبان نشسته بودند. در میان میهمانان خارجی باید از نمایندگان سیاسی روسیه، اطریش-مجارستان و هلند نام برد. در میان میهمانان ایرانی، میرزا تقی‌خان مجدالملک<sup>۲</sup> برادر میزبان و وزیر آموزش، والی سابق کردستان میرزا محمد اقبال‌الملک، سرپرست دربار مهدی‌قلی‌خان مجدالدوله، آقاعلی امین‌حضور مسئول جمع‌آوری مالیات‌های عقب افتاده، میرزا فتح‌الله خان شاه دیوان والی سابق شیراز و علی‌قلی خان مخبرالدوله<sup>۳</sup> وزیر تلگراف و آموزش، میرزا فتح‌علی خان، شاه دیوان والی سابق شیراز هم حضور داشتند.

۱. فرزند میرزا محمدخان مجدالملک، تولد ۱۸ ذی‌قعدة ۱۲۵۹ در تهران، درگذشت ۱۳۲۲ ه ق، او در سال ۱۳۱۴ ه ق به صدراعظمی مظفرالدین شاه رسید. اولین کارخانه قند و کارخانه کبریت سازی در ایران در زمان او آغاز به کار کرد.

۲. از رجال دوره ناصرالدین شاه تا احمدشاه قاجار، تولد ۱۲۷۸، درگذشت ۱۳۴۴ ه ق، پسر میرزا محمد خان مجدالملک خواهرزاده میرزا آقاخان نوری و برادر میرزا علی‌خان امین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه.

۳. فرزند رضاقلی‌خان هدایت، متولد شیراز، او پس از تحصیل در دارالفنون، برای تحصیل به اروپا رفت. در سال ۱۲۷۶ ه ق ناصرالدین شاه وی را مأمور کشیدن خط تلگراف بین تهران و زنجان کرد و لقب مخبرالدوله گرفت. در ۱۲۹۶ ه ق وزیر پست و تلگراف و در ۱۲۹۸ ه ق وزیر علوم و رئیس دارالفنون شد. در نهایت او در سال ۱۳۱۴ ه ق در ابتدای سلطنت مظفرالدین‌شاه به‌عنوان وزیر داخله منصوب گشت.

میرزا فتح‌علی‌خان دو سال پیش مقام خود را به‌عنوان حاکم ایالت فارس به مرکزیت شیراز از دست داد زیرا فارس با ایالت اصفهان که شاهزاده ظل‌السلطان<sup>۱</sup> والی آن می‌باشد، ادغام شد. وزیر دارائی میرزا اسمعیل‌خان امین‌الملک که برادر صدراعظم بود، پزشک شاه دکتر بکمس<sup>۲</sup> عمادالاطبا، یک پزشک ارمنی که به خاطر عاشق شدن به یک زن مسلمان به دین اسلام گرویده بود و پسر میزبان میرزا محسن‌خان منشی‌الحضور، لقبی که نشان می‌دهد او منشی شاه می‌باشد هم در این ضیافت حضور داشتند. با توجه به سن او این یک لقب تشریفاتی به نظر می‌رسید زیرا او پسری ۱۴ ساله بود. او ظاهری آراسته داشت و با دختر سفیر سابق قسطنطنیه میرزا محسن‌خان معین‌الملک<sup>۳</sup> نامزد شده بود. گذشته از آن حضور آجودان ماژرال میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی که پرفسور در امور هنری و استاد زبان فرانسه در مدرسه عالی تهران می‌باشد را نباید فراموش کرد. او در مدت اقامت ما در تهران دائماً در کنار ما بود.

شام عالی و مفصلی بود و شراب‌های خوبی تعارف می‌شد. پس از صرف شام به باغ رفتیم. نور رنگارنگ لامپاها از میان درختان به زیبایی باغ می‌افزود. در کلبه‌های کوچکی که بین درختان ساخته شده بود با تنباکو و نوشیدنی از ما پذیرائی می‌شد. حدود ۱۰۰ نفر از زنان و مردان اروپائی مقیم تهران برای ضیافت پس از شام دعوت شده بودند. دیدن آنها با لباس‌های اروپائی در میان ایرانیان که به‌سبک دیگری لباس می‌پوشند، در میان نور لامپاها و مهتاب بسیار جالب بود. در یکی از کلبه‌ها چند افسر آلمانی و اطریشی، مسئول آموزش افسران ارتش ایران، با گلاس‌های پر در زیر نور فانوس‌های رنگی به صحبت نشستند. در کلبه دیگری حدود ۲۰ تن از میهمانان زن با لباس‌های سفید رنگ خود در زیر نور شمع در کنار استخر با هم گفتگو می‌کردند. دورادور استخر را با شمع‌هایی تزئین کرده بودند. ماهی‌های قرمز استخر از این همه نور گیج شده و گرد نور شمع‌ها می‌چرخیدند. برای سرگرمی میهمانان مجلس رقصی ترتیب داده شده بود. گروه موزیک شش نفره با فلوت و طبل، آهنگ‌هایی می‌نواخت و دو پسر بچه ایرانی با لباس افغانی سفید رنگ آواز خوانده و می‌رقصیدند. ساعت ۱۱ شب، پس از صرف غذای ساده‌ای میهمانی پایان یافت.

#### یکشنبه اول ماه ژوئن از طرف مترجم شاه و وزیر مطبوعات اعتمادالسلطنه در باغ

۱. مسعود میرزا ظل‌السلطان، تولد ۱۲۶۶ ه ق در باغ نو اصفهان، درگذشت ۱۳۳۶ ه ق برابر با ۱۲ تیر ۱۲۹۷ خ، بزرگترین پسر ناصرالدین‌شاه و عفت‌السلطنه، اما به خاطر آنکه از مادری غیرقاجار زاده شده بود به ولیعهدی انتخاب نشد اما مدعی پادشاهی بود. او در مدت حکومت در اصفهان برخی از عمارت‌های دوره صفوی مانند عمارت آینه‌خانه در کنار زاینده‌رود را کاملاً نابود و آینه‌کاری‌های روی ستون‌های عالی قاپو و چهل‌ستون را تخریب کرد. کتاب تاریخ مسعودی به‌قلم اوست. جسد او در مشهد به‌خاک سپرده شد.

#### ۲. Bekmes

۳. میرزا محسن‌خان تبریزی، تولد ۱۲۳۵، درگذشت ۱۳۱۷ ه ق، معروف به‌مظاهر و ملقب به‌معین‌الملک، معتمدالملک و مشیرالدوله، از رجال عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود. او در سمت کاردار و سفیر، وزیر تجارت، وزیر عدلیه، وزیر امور خارجه و حتی رئیس شورای وزیران خدمت کرده است.

صاحبقرانیه برای صبحانه دعوت داشتیم. این روستا در فاصله دو ساعتی در شمال تهران و در نزدیکی روستای نیاوران در کوهپایه‌های البرز واقع شده است. شاه همه ساله در فصل تابستان پیش از عزیمت به ارتفاعات البرز یک یا دو هفته در آنجا اقامت می‌کند. مسیر خوب بود و در دو طرف آن، درختان توت پربرگ و دیگر درختان به روی جاده سایه افکنده بودند. از قصر قاجار گذشته از چند روستا عبور کردیم. به جز اعضاء هیئت اعزامی امین‌الدوله، دکتر فوریه و دکتر بکمس با لقب عمادالاطبا هم دعوت داشتند. پس از صرف صبحانه مفصلی، از آن قصر زیبا دیدن کردیم. پس از خنک شدن هوا و پیش از غروب آفتاب، به شهر مراجعت نمودیم.



روز ماقبل آخر اقامت در تهران از طرف سفیر اطریش-مجارستان آقای راکوبسکی<sup>۱</sup> دعوت داشتیم. صدراعظم و وزیر تعلیمات تنها ایرانیانی بودند که حضور داشتند. بدون اغراق باید اذعان داشت که با اعضاء هیئت اعزامی با نهایت ادب و نزاکت رفتار می‌شد و حداکثر مهربانی و نهایت مهمان‌نوازی را در مورد ما به جای می‌آوردند. آن گونه که بعدها شنیدیم از هیچ هیئت اروپائی یک چنین استقبال شایانی نشده بود و شکوه و جلال پذیرائی از هیئت ما در دربار ایران سابقه نداشته است.

۱. Rakobsky